دریچه

صالح رفت، حزبش ماند

■ به اعتقاد برخی از ناظران حزب کنگره خلق یمن (حزب حاکم) به دنبال برکناری علی عبدالله صالح از قدرت و ترک کشور که برای درمان به آمریکا سفر کرد، فروخواهد پاشید. اما مقامات این حزب چنین تصوری را به شدت رد کرده و مدعی هستند حزبی که توانسته است بیش از یک سال اعتراضات مردمی را تحمل کند و استقامت داشته باشد ریشه‌های عمیقی در بین مردم این کشور دارد.

حزب کنگره خلق یمن در ۲۴ آگوست سال ۱۹۸۲ به رهبری علی عبدالله صالح رییس‌جمهور این کشور تاسیس شد. این حزب تمام طیف‌های سیاسی کشور به‌ویژه در شمال را دربرگرفته بود. یعنی از اخوان‌المسلمین و بعثی‌ها و سوسیالیست‌ها گرفته تا سران قبایل و فرماندهان نظامی.

با این حال حزب کنگره بزرگ‌ترین شکاف را سال گذشته تجربه کرد. یعنی زمانی که وزرا و نمایندگان پارلمان و دیپلمات‌های یمنی و رهبران قبایل و برخی فرماندهان نظامی بر علی عبدالله صالح شوریده و از این حزب جدا شدند. این شخصیت‌ها در ادامه اعتراضات مردم بود که به جریان انقلاب پیوستند و به همراه آنان درصدد سرنگونی رژیم حاکم برآمدند. بسیاری از آنان نیز در این راه دست به تشکیل گروه‌های سیاسی مستقلی زدند. به همین دلیل ناظران معتقدند سرنوشت این حزب نیز مانند سرنوشت فرزندان و نزدیکان صالح خواهد بود. درحال حاضر یمن همچنان شاهد اعتراضات گسترده مردم است که طی آن خواستار برکناری سران رژیم گذشته و به‌خصوص رهبران حزبی هستند.

سعید عبدالمومن استاد دانشگاه و پژوهشگر امور سیاسی یمن معتقد است حزب کنگره و احزاب مشابه آن چون احزابی دولتی هستند به همراه سقوط دولت‌ها فرو می‌پاشند. به گفته او «یک نمونه بارز آن حزب ملی حاکم بر مصر یا کمیته‌های انقلابی لیبی است که همه با رفتن حاکمان فرو ریختند. حتی اگر در این میان کسانی از داخل و خارج تلاش کنند یا آرزوی آن را داشته باشند که چنین اتفاقی رخ ندهد.»

وی در این‌باره می‌افزاید: باقیمانده رهبران حزب کنگره یمن نیز از آسیب‌های انقلاب مردمی این کشور در امان نخواهند بود و این امری طبیعی است زیرا آنها روزی همه نیروهای سیاسی تاثیرگذار را از دور خارج کرده بودند و اینک خودشان باید صحنه را ترک کنند. وی انتظار دارد بسیاری از طرفداران این حزب پراکنده شده یا در عوض احساس مسوولیت ملی کرده و دریابند که این حزب چه بلایی بر سر کشور آورده است یا دست‌کم اگر تمایل به ادامه فعالیت‌های سیاسی دارند وارد تشکل‌های جدید شوند.

برخلاف این نظر، علی سیف حسن رییس باشگاه توسعه سیاسی در صنعا می‌گوید: حزب کنگره خلق یمن در صحنه سیاسی این کشور به حیات خود ادامه خواهد داد. دلیل این کار نیاز جامعه به یک تشکل منظم سیاسی است و حتی گروه‌های موسوم به «دیدار مشترک» نیز این مساله را قبول دارند، طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز برای حفظ توازن قدرت سیاسی در کشور بر همین باور هستند.

به گفته او: فقدان حزب کنگره باعث می‌شود تا اعضا و طرفداران این حزب جذب گروه الحوثی‌ها در شمال یا جدایی‌طلبان در جنوب کشور شوند. این مساله در نهایت موجب تمرکز سیاسی حاد در قطب‌های مختلف می‌شود و ثبات کشور را تهدید می‌کند. وی می‌گوید نکته دیگر در اهمیت بقای حزب کنگره این است که این تشکل از مجموعه‌ای از شخصیت‌های سیاسی توانمند و باتجربه سیاسی در دولت شکل گرفته است.

عبده الجندی سخنگوی رسمی این حزب نیز می‌گوید: هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که درباره آینده این حزب نگران‌کننده باشد. سال گذشته همه می‌گفتند این حزب در برابر توفان اعتراضات در یمن مقاومت نخواهد کرد اما حوادث ثابت کرد که این حزب ریشه‌های مردمی عمیقی دارد. به گفته او حزب کنگره درست است که مدت زیادی را در قدرت بوده اما این حزب استعداد آن را دارد که خود را با شرایط مختلف تطبیق داده و حتی بعد از انتخابات آینده به جمع اپوزیسیون بپیوندد. از این‌رو همه شواهد نشان می‌دهد که فعالیت این حزب استمرار خواهد داشت.

به اعتقاد او حزب کنگره یک حزب لیبرال است که طیف‌های مختلفی را در خود جمع کرده است. همه احزاب یمنی در دامن همین حزب متولد شده‌اند و بعد به خیابان ریخته و هرکدام اسمی روی خود گذاشتند. در طول بحران کنونی دیدیم رهبران فعلی احزاب همان کسانی از کار درآمدند که روزی از کنگره جدا شده بودند. الجندی می‌افزاید: بزرگ‌ترین اشتباه این حزب آن بود که در حکومت راه انحصارگرایی را در پیش گرفت و همین موجب انسداد حیات سیاسی در کشور شد و در نهایت به این انفجارهای توده‌ای و مردمی منتهی شد که سال گذشته شاهد آن بودیم.

وقتی از الجندی در این‌باره پرسیده می‌شود که نگران انحلال این حزب مانند آنچه در تونس و مصر اتفاق افتاد نیستید می‌گوید: انحلال و به حاشیه راندن این حزب موجب بروز درگیری‌ها و نزاع‌های بیشتری خواهد شد. بازگشت به نظام تک‌حزبی دیگر در یمن جایی ندارد. طرح شورای همکاری خلیج‌فارس و شورای امنیت بر مبنای مشارکت ملی همه گروه‌ها و انتقال به یک دموکراسی آزاد است.

منبع: الجزیره

گل‌های همیشه بهار

■ زنان و قیام‌های عربی: ۸ عامل تغییر

ترجمه رضا آقازاده

زنان در صف مقدم قیام‌هایی بوده‌اند که از تونس آغاز شد و دامنه آن به سرعت به مصر، لیبی، یمن و سوریه نیز گسترش یافت. زنان عرب در سال گذشته، طعم خوش نوید تغییر را چشیده و به معنای نوینی از برابری رسیده‌اند؛ معنایی که سال‌ها توسط رژیم‌های مردسالار منطقه سرکوب شده بود، ولی اکنون از نظر بسیاری از فعالان زن این نوید در حال محو شدن است و حقوق زنان فعلا از اهمیت چندانی برخوردار نیست. در اولین انتخابات پارلمانی بعد از سقوط مبارک که اغلب آن را اولین حق رای آزاد مردم مصر می‌دانند، زنان تنها ۹ کرسی از ۴۹۸ کرسی مجلس را به دست آوردند. دالیا زیاده، وبلاگ‌نویس و فعال حقوق‌بشر مصری، مدت کوتاهی قبل از انتخابات یک نظرسنجی غیررسمی بین ۱۴۰۰ نفر از رای‌دهندگان در قاهره انجام داد که طی آن حتی یک نفر، چه مرد چه زن، تمایلی به رای دادن به یک کاندیدای زن برای انتخابات ریاست‌جمهوری نشان نداد. زنان مصری نگران شکاف فزاینده بین واقعیت مشارکت زنان در تظاهرات خیابانی و عدم‌حضور آنان در روندهای سیاسی هستند. برخی از فعالان زن سکولار از این موضوع بیم دارند که قدرت گرفتن احزاب اسلامگرا، با وجود اعتدال و میانه‌روی ظاهری، موجب محدود شدن فضای سیاسی آنان شود.

در مصر، زنان با برخورد خشونت‌باری از جانب شورای عالی نظامی روبه‌رو شده‌اند. فعالان حقوق‌بشر رفتار شورای نظامی با معترضان را در بهترین حالت نامناسب و در بدترین حالت توهین‌آمیز و پرخشونت توصیف می‌کنند. در ماه مارس گذشته، زمانی که نظامیان معترضان را از میدان التحریر، کانون طرفداران دموکراسی، با خشونت بیرون می‌کردند، ۱۸ فعال زن بازداشت شدند که از میان آنها ۱۷ نفر مجبور به انجام «آزمایش بکارت» شدند (نیروهای نظامی ادعا کرده‌اند که این آزمایش‌ها به منظور جلوگیری از اتهام احتمالی تجاوز به نظامیان انجام شده است). اخیرا، صدها زن از کشورهای خاورمیانه در همایشی در مصر شرکت کردند تا در مورد چگونگی استفاده از فناوری و اینترنت، به ویژه شبکه‌های اجتماعی، برای حفاظت و پیشبرد اهداف زنان در منطقه بحث و تبادل نظر کنند. منا الطحاوی، خبرنگار مصری - آمریکایی و دبیر همایش با دستانی گچ‌گرفته در این همایش حاضر شده بود. وی در ماه نوامبر از سوی سربازان در نزدیکی میدان التحریر کتک خورده و مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته بود. این دستان شکسته و گچ‌گرفته مانع از آن نشد که وی پیامش را به زبان نیاورد: «انقلابی‌ترین حرکتی که یک زن می‌تواند انجام دهد، انتقال تجربیاتش به دیگران است.»

در حالی که کشورهای منطقه در تقلا برای از میان برداشتن ساختارهای غیرعادلانه و ایجاد یک جامعه مدنی نوین هستند، اینها تنها گروه کوچکی از «عوامل تغییر» هستند که تجربیات خود را با دیگران به اشتراک گذارده و قصد عقب‌نشینی ندارند.

منال الشریف (عربستان سعودی)

در ماه می گذشته، منال الشریف ۳۲ساله و مشاور امنیت فناوری اطلاعات در عربستان سعودی برای گردشی کوتاه سوار اتومبیل خود شد و با رانندگی، قانون را زیرپا گذاشت. منال الشریف در حالی که دوستش از رانندگی وی فیلمبرداری می‌کرد، قوانین تبعیض جنسیتی عربستان سعودی را به سختی مورد انتقاد قرار داد. او روز بعد برای کمک به «جنبش رانندگی» زنان عربستان در مقابل قانون ممنوعیت رانندگی ویدیو را در یوتیوب به نمایش گذاشت و بلافاصله به مدت ۹ روز بازداشت شد. الشریف پس از آزادی، کمپین خود را به «حقوق من، شرافت من» تغییر داد؛ کمپینی که هدف آن مبارزه برای حق رانندگی زنان و لغو قیمومیت مردان و سایر مشکلات زنان عربستان است؛ قیمومیتی که طبق آن، زنان سعودی باید از قیم خود که معمولا پدر یا شوهر است برای کار، مسافرت، تحصیل یا ازدواج اجازه‌نامه کتبی بگیرند. منال الشریف می‌گوید: «ما نیمی از جامعه هستیم، اما نیمی که آن نیم دیگر را به دنیا آورده و بزرگ می‌کند؛ پس ما در واقع همه جامعه هستیم.» مبارزه او تازه آغاز شده است. او و دیگر زنان سعودی ماه آینده برای اخذ گواهینامه رانندگی اقدام می‌کنند تا ثابت کنند ممنوعیت رانندگی در عربستان پایه و اساس قانونی نداشته و تنها یک عرف مذهبی براساس فتوای روحانیون مذهبی محافظه‌کار است و اگر آنها مخالفت کنند؟ «ما درخواست استیناف می‌دهیم.»

> **نکته**
> در مصر، زنان با برخورد خشونت‌باری از جانب شورای عالی نظامی روبه‌روشده‌اند. فعالان حقوق‌بشر رفتار شورای نظامی با معترضان را در بهترین حالت نامناسب و در بدترین حالت توهین‌آمیز و پرخشونت توصیف‌می‌کنند

دالیا زیاده (مصر)

دالیا زیاده ۳۰ساله از سوی حزب عدالت در انتخابات پارلمانی مصر شرکت کرد ولی نتوانست به مجلس راه یابد. این حزب به تازگی و از سوی جمعی از انقلابیون جوان مصری طرفدار ایدئولوژی میانه‌رو و معتدل سیاسی و مذهبی تاسیس شده است. او در این حزب اولین سازمان حزبی زنان در مصر را به منظور ارتقای سواد سیاسی و کمک به توانمندسازی زنان واجد شرایط برای شرکت در انتخابات ایجاد کرده است.

زیاده، وبلاگ‌نویس برنده جایزه و مدافع سرسخت حقوق زنان است؛ کسی که وب‌سایتش دوبار در زمان ریاست‌جمهوری مبارک به تیغ سانسور دچار شد. او از جمله زنانی است که در کودکی مورد عمل غیرانسانی ختنه قرار گرفته‌است. عملی که در مصر و در سال ۲۰۰۷ با حمایت صریح مقامات برجسته مذهبی مسیحی و مسلمان غیرقانونی اعلام شد. تحقیق یونیسف در سال ۲۰۰۵ نشان داد که ۹۶ درصد از زنان مصری متاهل که سنی مابین ۱۵ تا ۴۹ سال دارند، در کودکی ختنه شده‌اند. زیاده، مدیر بخش مصر کنگره اسلامی آمریکا است و به تازگی از سوی مجله نیوزویک، به عنوان یکی از ۱۵۰زن تاثیرگذار در جهان انتخاب شده و از سوی روزنامه Daily Beast یکی از ۱۷ وبلاگ‌نویس شجاع جهان لقب گرفته است. زیاده می‌گوید: «چگونگی نگاه زنان به خود و نقش‌شان در تغییرهای در حال وقوع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی زنان است»؛ زنی که خود روسری به سر می‌کند، مسلمانی پایبند [به شریعت] است. او که در حال حاضر در رشته روابط بین‌الملل دانشگاه تافتز مشغول به تحصیل است، می‌گوید: «بهار، بدون گل از راه نمی‌رسد و زنان گل‌های بهار عربی هستند. اما اگر آنها ارزش و منزلت خود را درک نکنند و جوامع [عربی] آنها را در تغییر دموکراتیک مشارکت ندهند، پایان خوشی در انتظار بهار عربی نخواهد بود.»

دالیا زیاده

شهناز احمد

لمیس ضیف

ماریا المثنی (یمن)

ماریا المثنی می‌گوید با پدری فحاش و بدرفتار بزرگ شده که قصد داشته در ۱۴سالگی او را شوهر بدهد. او حالا یک متخصص روابط عمومی در کانادا و بنیان‌گذار سازمان پایش حقوق‌بشر در یمن است که طرحی ابتکاری برای ثبت موارد نقض حقوق‌بشر در یمن به شمار می‌رود.

او با چشمانی فندقی‌رنگ و وقاری مثال‌زدنی، می‌گوید: «چون نمی‌توانم به صورت فیزیکی در یمن حضور داشته باشم، هدفم نجات دادن زندگی انسان‌ها از طریق روشن کردن ابعاد و موارد نقض حقوق‌بشر در یمن با کمک رسانه است.» او می‌گوید قهرمانش زنی محجبه در شهر زادگاهش «تایز» است که به سمت یک جوخه آتش رفت و از آنها خواست اسلحه‌های خود را زمین بگذارند. او در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده، می‌گوید: «رویایم این است که روزی، یک رییس‌جمهور زن در یمن سوار بر اتومبیل خود به دیدار پادشاه عربستان برود و با وی دیدار کند.»

یاسمین المهیری (مصر)

یاسمین المهیری، موسس و مدیرعامل شرکت سوپرماما، اولین جامعه آنلاین والدین در خاورمیانه است که به عنوان یک هاب اطلاعاتی برای مادران عرب فعالیت می‌کند. المهیری می‌گوید بسیاری از زنان عرب در یک فرهنگ معلم‌مآب بزرگ می‌شوند که در آن به امر و نهی شنیدن خو گرفته و عادت می‌کنند؛ به ویژه زمانی که پای مساله‌ای همچون مراقبت و تربیت کودکان در میان باشد. او امیدوار است که این وضعیت را از طریق گسترش اطلاعات تغییر دهد تا «زنان در نهایت بتوانند آنچه را برایشان بهترین است برگزینند.»

المهیری می‌گوید در اغلب موارد زنان عرب برای موضوعات مربوط به کودکان به تجربه‌های مادرها و مادربزرگ‌های خود رجوع می‌کنند و با خنده اضافه می‌کند ولی در بیشتر موارد این تجربه‌ها تاریخ مصرف گذشته‌اند. او می‌گوید: «ما شاهد تغییر و پیدایش نسلی از مادران عرب هستیم که کار می‌کنند و خودشان صاحب درآمد هستند.» یکی از محبوب‌ترین بخش‌های سایت «پدر عزیز» نام دارد. او توضیح می‌دهد: «در منطقه ما اغلب مردان به هیچ عنوان در پرورش و بزرگ کردن بچه‌ها دخالت نمی‌کنند. آنها نان‌آور خانه هستند ولی همه وظیفه تربیت را به ما سپرده‌اند. بسیاری از مادران خواهان سهیم شدن غیرمستقیم شوهران‌شان در این مساله هستند، بنابراین ما فکر کردیم که زنان می‌توانند مقاله‌های سایت را برای آنها بفرستند.»

المهیری می‌گوید این بخش از سایت در میان مردها چنان محبوب شده است که در حال حاضر چندین نویسنده مرد به صورت داوطلبانه با این بخش همکاری می‌کنند. «ما در حال ایجاد تغییر بدون زیرپا گذاشتن و نقض ویژگی‌های سنتی و فرهنگی منطقه‌هستیم.»

لمیس ضیف (بحرین)

«من از کشوری می‌آیم که مادری خودش را سوزاند چراکه پسرش را بارها و بارها شکنجه داده بودند.» لمیس ضیف، روزنامه‌نگار ۳۲ ساله قاطعانه می‌گوید: «من از کشوری می‌آیم که همه روزه تظاهرات برپا می‌شود ولی هیچ‌کس درباره آن حرف نمی‌زند. ما زنان انقلابی فراموش‌شده هستیم.» ضیف اهل بحرین است؛ جزیره‌ای کوچک بین عربستان سعودی و ایران که آمریکا پایگاه ناوگان پنجم نیروی دریایی خود را در آنجا مستقر کرده و اکثریت شیعه بارها در اعتراض به منزوی و در حاشیه قرار گرفتن‌اش توسط حکومت سنی آل خلیفه دست به اعتراض زده است. زمانی که بهار عربی از راه رسید، شیعیان بحرینی با برخی از متحدان سنی خود به خیابان‌ها ریختند و خواستار دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی و نظام پارلمانی شدند. ضیف به عنوان یکی از هواداران اعتراض‌ها، پس از چندین بار تهدید به مرگ شدن خود و خانواده‌اش در ماه مارس ۲۰۱۱ کشور را ترک کرد.

«زنانی که اعتراض می‌کنند مجازاتی مضاعف دارند؛ یک‌بار به عنوان یاغی و یک‌بار به عنوان خائن. اگر اعتراض کنید، فاحشه نامیده می‌شوید. آنها کلمات مرا سانسور می‌کردند ولی من اهمیتی نمی‌دهم. او می‌خندد و می‌گوید تعداد فالوئرهای او در توییتر (تقریبا ۶۰هزار نفر) از مجموع تیراژ تمام روزنامه‌های بحرینی بیشتر است. «آنها شاید حالا بتوانند برخی از ما را از افشای حقیقت باز بدارند ولی برای همیشه نمی‌توانند جلو ما را بگیرند.»

شهناز احمد (مصر)

اعداد برای مصر، چهارمین اقتصاد بزرگ خاورمیانه، همیشه خوش‌یمن نبوده‌اند. مصر با نرخ بالای بیکاری، تورم، کاهش گردشگر خارجی، اعتصاب‌های کارگری، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش ذخایر ارزی از ۳۶میلیارد دلار به ۱۰میلیارد دلار دست و پنجه نرم می‌کند.

۴۰درصد مردم مصر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بیکاری در تمام طول سال بالای ۱۲درصد است. ۶۰درصد مصری‌ها ۳۰ساله یا جوان‌تر هستند و حداقل از هر چهار نفر در سنین ۱۸ تا ۳۰سال، یک نفر بیکار است. اینجا جایی است که شهناز احمد از راه می‌رسد. احمد مدیرعامل بنیاد آموزش برای استخدام است. سازمانی غیرانتفاعی که تلاش می‌کند از طریق آموزش‌های مبتنی بر بازار به جوانان محروم کمک کند. او می‌گوید: «یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش‌روی زنان منطقه، حق انتخاب است. برای رسیدن به آزادی حق انتخاب، استقلال مالی حیاتی و لازم است.» در بنیاد آموزش برای استخدام، کم‌وبیش نیمی از متقاضیان کار، زن هستند. بنیاد برای کسب شرایط لازم جهت ورود به بازار کار و شرکت‌های خصوصی به آنها آموزش می‌دهد و تاکنون موفق شده است، ۹۶درصد از دانش‌آموختگان خود را به استخدام رسمی [سازمان‌ها] درآورد.

او می‌گوید: «حقوقی که یک زن در پایان ماه می‌گیرد به این معناست که او فقط به خودش مدیون و وفادار است نه هیچ کس دیگری. این استقلال و توانمندی است که بر انتخاب‌های مستقل یک زن تاثیر می‌گذارد.»

فیدا اوری (تشکیلات خودگردان فلسطین)

اوری ۲۳ساله، معاون مدیرکل و مدیر سایت رادیو نسا، اولین ایستگاه رادیویی زنان در خاورمیانه، در منطقه رام‌الله در کرانه باختری رود اردن است. اوری که صاحب یک پسر است، می‌گوید تنها زن فلسطینی‌ای است که مدیریت یک سایت را برعهده دارد. او که متولد نیویورک و تحصیلکرده فلوریداست، پس از پایان تحصیلات در آمریکا به فلسطین بازگشته تا «فرصت‌ها و انتخاب‌های بیشتری برای زنان فراهم کند.» او می‌گوید: «حدود ۷۰درصد زنان فلسطینی از اینترنت استفاده می‌کنند ولی هنوز در زمینه تولیداتی که به نگرانی‌ها و دل‌مشغولی‌های آنها بپردازد، کمبودهای زیادی وجود دارد. ایستگاه رادیویی دارای برنامه‌های مختلفی از جمله «قهوه مربوط» است که در مورد هر چیزی از تغذیه صحیح در دوران بارداری تا تصمیم‌های کاری و شغلی بحث می‌کند.» او می‌گوید: «ما می‌خواهیم الهام‌بخش زنان باشیم. در مقام مادر، به عنوان همسر یا یک فعال عرصه کار و صنعت.»

دانیا بشیر (لیبی)

دانیا بشیر تنها ۲۰ سال دارد، ولی صاحب کسب‌وکار است. او (به عنوان اولین و تنها زن) دوبار برنده مسابقه کارآفرینی امارات عربی متحده شده است؛ موضوعی که به وی در راه‌اندازی شرکتش «رلورا» که به مدیریت استرس می‌پردازد، کمک کرده است. ولی بیوگرافی او در توییتر نشان از آرزوهای بلندپروازانه دیگری دارد: «رییس‌جمهور بعدی لیبی.» مساله‌ای که تا سال گذشته آن‌هم در کشوری که «کتاب سبز» فلسفه سیاسی معمر قذافی اعلام کرده بود جای زن در خانه است، غیرممکن به نظر می‌رسید. بشیر که متولد آریزونا و تحصیلکرده امارات است، تابستان‌ها را در لیبی می‌گذراند ولی ارتباط کمی با مردم حتی بستگانش داشت.

او که پدرش را قهرمان خود می‌داند، می‌گوید: «پدرم یک تبعیدی سیاسی و در فهرست سیاه بود، بنابراین من نمی‌توانستم ارتباط مناسبی با کشورم داشته باشم. بزرگ‌ترین جنایت قذافی، فاسد کردن ذهن مردم بود.»

بشیر در زمان انقلاب مشغول سازماندهی حمل دارو و تجهیزات پزشکی و نیازهای اساسی مردم لیبی بود. او می‌گوید ۵۷ درصد جمعیت لیبی را زنان تشکیل می‌دهند و در پشت صحنه نقش مهمی برعهده دارند: جابه‌جایی سلاح، قاچاق دارو به داخل کشور و جمع‌آوری اطلاعات. آنها با سقوط قذافی از آزادی بیشتری برای تحرک و فعالیت برخوردار شده‌اند ولی جامعه قبیله‌ای و مردسالار لیبی هنوز راه درازی در پیش دارد. هرچند کشور شاهد شکوفایی و ظهور ده‌ها سازمان غیردولتی به رهبری و هدایت زنان است ولی از میان ۵۱ عضو شورای ملی انتقالی تنها یک نفر زن است.

دانیا می‌گوید: «آنها به رهبری در تمامی جبهه‌ها نیاز دارند، ما از صفر شروع کرده‌ایم. ولی نکته مثبت این است که مردم در لیبی مشتاق و تشنه یادگیری حقوق خود هستند. حقوقی که به معنای آزادی واقعی و بیان نظرات و عقاید خود است. ما فقط به زمان و افرادی نیاز داریم که ما را راهنمایی کرده و آموزش بدهند. خودمان به آزادی خواهیم‌رسید.»

منبع: Cnn

نیم‌نگاه

نویسنده لبنانی از بهار عربی می‌گوید

■ زمانی که پدرش به او تور سفیدرنگی را نشان داد تا آن را سر کند، بچه‌ای ۱۰ ساله بود که اصلا نمی‌دانست قرار است، عروس شود. نویسنده معروف امروز لبنان و زنی که کودکی پررنجی داشته با اشاره به بهار عربی که کشورهای عربی را درنوردید، می‌گوید که زنان نقش پر رنگی در بهار عربی داشتند. او همیشه یک شورشی بوده است. یاغی و پیشرو. برخی از آثار او در برخی کشورهای خلیج‌فارس ممنوع بودند. کتاب‌هایی که در بحرین و امارات و عربستان سعودی هم قابلیت انتشار نداشتند. چراکه ممکن بود آثار او توفانی باشند در دل ساختار متزلزل. او با هیجان بسیار از نقش زنان در شکستن ساختار زهوار دررفته عربی می‌گوید: «من خوشحال هستم که حوادث بهار عربی واقعیت‌های موجود را نشان داد. به‌خصوص مصر که نقش پیشرو در بهار عربی داشته است.» او با اشاره به کودکی پررنج خود و نبود امکانات، در مورد زمان حاضر می‌گوید: «اینترنت و وسایل ارتباطی جدید نقش پررنگی در انقلاب‌ها داشتند. این وسایل ارتباطی خود یک انقلاب دیگر است.»

او که به‌تازگی از هند بازگشته درخصوص اینکه چگونه به نویسندگی روی آورده گفته است: «کودکی من همچون اسفنجی بود که همه چیز را به خود جذب می‌کرد. من کتاب‌های زیادی نخواندم تا نویسنده شوم، من اطراف خود را خوب دیدم، بوییدم و شنیدم.» او سپس به رسم و رسوم زمان خود اشاره می‌کند و می‌گوید: « در زمان ما کودک به جای اینکه کودکی کند، مجبور به ازدواج بود. شاید ازدواج زودهنگام در رشد من تاثیر داشته است؛ رشدی که باعث شد تا زندگی را بهتر ببینم و درک کنم». واقعیت این است که او نه به زور پدرش، بلکه به اجبار مادرش تن به ازدواج زودهنگام داد. او با تلخی به این موضوع اشاره می‌کند و آن را طنزی تلخ از وقایع زندگی خود به حساب می‌آورد. او که در کودکی در لبنان رشد و نمو کرده بود برای ادامه تحصیل به قاهره می‌رود و پس از اتمام تحصیلات به لندن می‌رود و ساکن لندن می‌شود. او همچنان مخالف سرسخت دیکتاتورهای منطقه‌ای خلیج‌فارس است زیرا کتاب‌هایش اجازه چاپ نمی‌گیرد. برای او توکل کرمان یک سمبل است که علیه دیکتاتورش شورید.
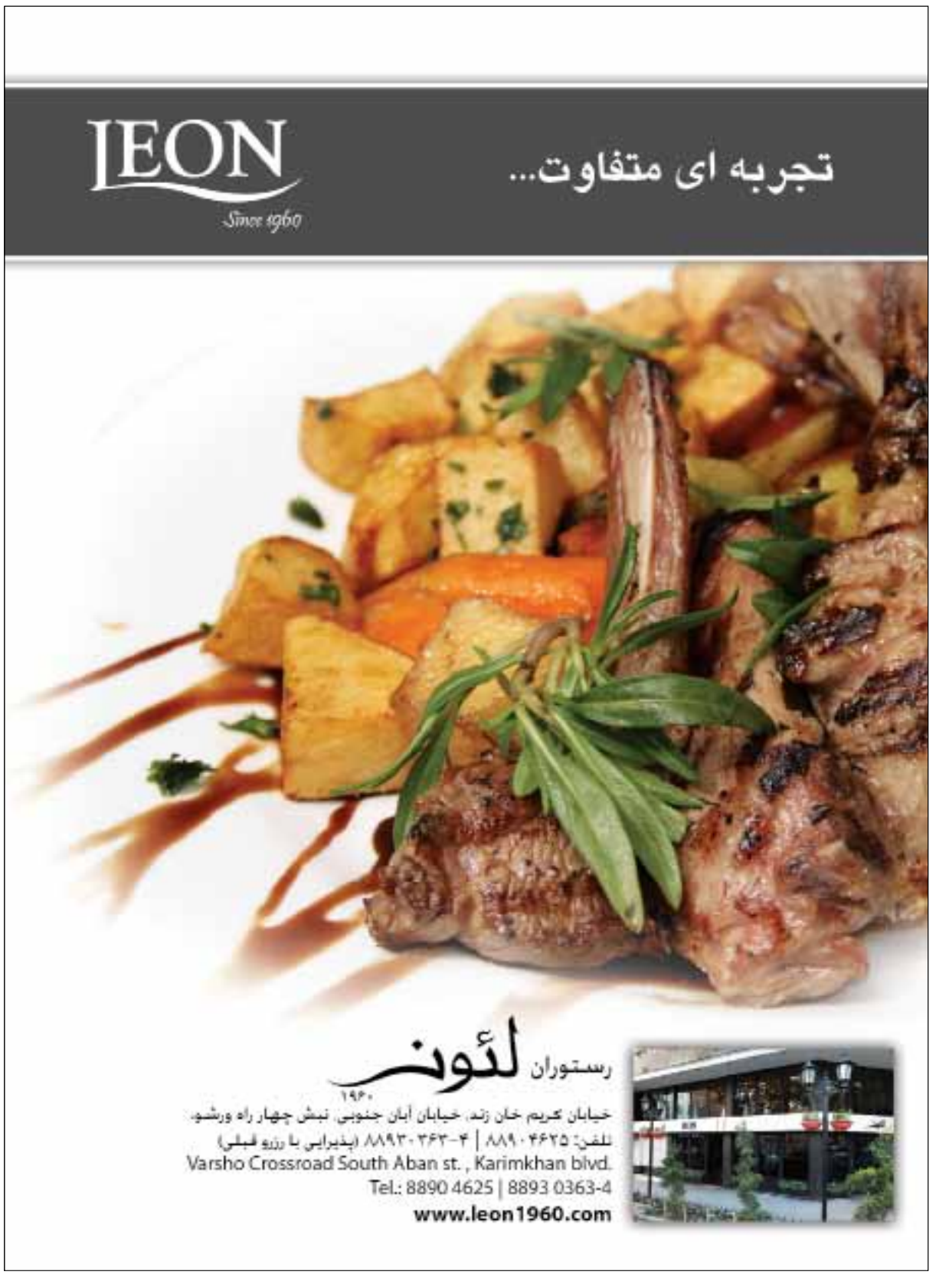
منبع: Daily news